

بررسی نام‌گذاری اشخاص در بانه از دیدگاه نام‌شناسی اجتماعی^۱

بهزاد احمدی^۲

استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

بهمن زندی^۳

استاد گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

آرزو نجفیان^۴

دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

بلیقیس روشن^۵

دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

مقاله حاضر با رویکرد نام‌شناسی اجتماعی، به بررسی تأثیر تحولات اجتماعی - فرهنگی، بر انتخاب نام‌های خاص در میان گویشوران کردزبان شهر بانه طی صد سال اخیر، از سال ۱۳۰۰ تاکنون، می‌پردازد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها از بیکره اداره ثبت احوال گرفته شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس عنصر اجتماعی هویت (ملی، مذهبی، قومی و فراملی) صورت پذیرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که در این دوره صدساله، رواج نام‌های مذهبی روندی کاهشی و درعوض، گستردگی نام‌های ملی و قومی، روندی صعودی داشته است؛ البته در چند سال اخیر نام‌های قومی مردانه کمابیش رو به کاهش بوده است؛ همچنین نام‌های عربی مفهومی نیز روند کاهشی چشمگیری داشته است و از سوی دیگر، به‌ویژه از اوایل دهه ۱۳۹۰، نام‌های فراملی بیش‌ازپیش به‌چشم می‌خورند. این تحولات در نام‌گزینی، نشان می‌دهد در جامعه مورد مطالعه، گرایش به سنت‌زدایی و در نتیجه فردگرایی افزایش یافته است و افزون بر این، تغییر ذائقه در نحوه نام‌گذاری و انتخاب نام برای فرزندان نشان‌دهنده تغییرات ساختارهای فرهنگی - اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، نام‌شناسی اجتماعی، نام‌های خاص، زبان کردی، بانه.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۱۵

bahmadi33@pnu.ac.ir

zandi@pnu.ac.ir

najafianpnu@yahoo.com

bl_rovshan@pnu.ac.ir

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۳- پست الکترونیکی:

۴- پست الکترونیکی:

۵- پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

تمایل به تغییر و تحوّل فرهنگ در همه جوامع امری ذاتی است (عبدی، ۱۳۸۹: ۱۹). مطالعه تاریخی شهرها و روستاهای ایران در سده اخیر، بیان‌گر تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها است که این تغییرات، دگرگونی‌های عظیمی در زندگی انسان‌ها به دنبال داشته‌اند؛ به طوری که باورها، عقاید، افکار و آداب و رسوم بیشتر اقوام و گروه‌ها را متحوّل ساخته و به تغییر در گرایش‌های مردم نیز انجامیده است. عبدی (۱۳۸۹: ۳۲) گرایش ایران باستان، گرایش اسلامی و گرایش غربی را سه گرایش فرهنگی عمده تأثیرگذار در ایران پس از مشروطه می‌داند که در انتخاب نام افراد نمود یافته است. از دیدگاه عبدی:

«جوامع، امکانات و شرایط محیطی متفاوتی دارند و در رویارویی با مسائل، شیوه‌های گوناگونی را برای حل آن‌ها برمی‌گزینند؛ از جمله این شیوه‌های متفاوت، برخورد با مسائل است که فرهنگ‌های متنوع را پدید می‌آورد؛ از طرف دیگر، چون امکانات و شرایط محیطی هر جامعه دائماً تغییر می‌کند، به‌ناچار فرهنگ‌ها نیز خود را در انطباق با این تغییرات متحوّل می‌سازند.» (عبدی، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۰)

بنابراین، در پژوهش روی اقوام ایرانی، از جمله قوم کرد، باید گرایش قومی را نیز مد نظر قرار داد، زیرا کردها چه به لحاظ جغرافیایی، چه به لحاظ تاریخی، با امکانات، تجربیات و شرایط محیطی متفاوتی روبه‌رو بوده‌اند.

یکی از مناطقی که از تحولات یک‌صد سال اخیر تأثیر قابل ملاحظه‌ای پذیرفته، شهر مرزی بانه در استان کردستان است که اکنون به لطف بازار کالاهای خارجی ارزان‌قیمتش شناخته شده است و به‌ویژه در روزهای تعطیل از مقصدهای پر مسافر، است. این شهر، در طول صد سال گذشته، شاهد تغییر و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده که شهر را از دهستانی در آغاز سده، به شهری معروف بدل کرده است. این تحولات، گاهی تحولاتی جهانی، گاه ملی، گاه منطقه‌ای و گاه خاص خود بانه بوده‌اند. چنین فراز و نشیب‌ها و تحولات گوناگونی، بر زندگی مردم و در نتیجه بر طرز فکر و سبک زندگی و در نهایت بر کردارهای اجتماعی و فرهنگی مردم تأثیر گذاشته‌اند.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با رویکرد نام‌شناسی اجتماعی (کهل^۶، ۱۹۷۱؛ لیبرسون^۷، ۱۹۸۴؛ ون

6. F. Kehl

7. S. Lieberson

لانگندونک^۸، ۱۹۸۲؛ برامول^۹، ۲۰۱۲؛ برنز^{۱۰}، ۲۰۱۵) بر روند نام‌گذاری فرزندان برای کندوکاو در تحولات اجتماعی - فرهنگی در شهر بانه طی سده اخیر متمرکز است. هرچند در زبان‌شناسی خُرد، مطالعه نام‌های خاص، بیشتر به حوزه معناشناسی مربوط است (دانسی^{۱۱}، ۲۰۰۴؛ کریستال^{۱۲}، ۲۰۰۸)؛ با وجود این، به خاطر ماهیت نام خاص و ارتباط یافتن موضوع با هویت، فرهنگ، باورهای حاکم و شناخت انسان از جهان پیرامون و با توجه به لحاظ نمودن عوامل فرهنگی - اجتماعی، پژوهش روی نام‌ها، لازمه نگاهی کلان به مسئله است و لذا در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی^{۱۳} و به‌طور دقیق‌تر، نام‌شناسی اجتماعی^{۱۴} خواهد بود.

پژوهش حاضر در پی آن است که تصویری از پیکره و گنجینه نام‌هایی به‌دست دهد که افراد جامعه هدف از میان آن‌ها دست به انتخاب می‌زنند یا خود، نامی را به آن پیکره می‌افزایند؛ پیکره‌ای که همواره، تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی دست‌خوش تغییر است؛ به‌عبارت دیگر، هدف، تحلیل و توصیف تحولات نام‌گذاری برحسب دوره‌های تاریخی سده اخیر و یافتن ارتباط بین تصویر به‌دست‌آمده و دوره زمانی مرتبط با آن است؛ سپس، براساس تحلیل جامع تغییرات نام‌ها در این یک‌صد سال، تصویری کلی از روند تغییرات در پیکره نام‌ها ارائه شود و علل و عوامل تأثیرگذار در این تغییرات بررسی شود؛ لذا، پرسش‌های مورد نظر در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- پیکره نام‌ها، تحت تأثیر تحولات فرهنگی - اجتماعی سده اخیر، چه تغییراتی را متحمل شده است؟

۲- چه رابطه‌ای بین متغیر دوره زمانی و نوع نام انتخابی وجود دارد؟

۳- چه رابطه‌ای بین جنسیت و نوع نام انتخابی در هر دوره وجود دارد؟

بر همین اساس، پس از شرحی بر مبانی نظری پژوهش و روش تحقیق اتخاذشده، به تجزیه و تحلیل داده‌ها در هر دوره تاریخی و همچنین کل دوره مورد مطالعه پرداخته می‌شود و در پایان نیز، یافته‌های پژوهش به بحث و بررسی گذاشته می‌شوند.

مبانی نظری

نام‌شناسی اجتماعی، مفهوم کمابیش جدیدی است و هنوز حوزه نوظهوری تلقی می‌شود؛ این اصطلاح،

8. W. Van Langendonck

9. E. Bramwell

10. A. Burns

11. M. Danesi

12. D. Crystal

13. sociolinguistics

14. socio-onomastics

هم در زبان‌شناسی اجتماعی و هم در حوزه‌های دیگری مانند جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و جغرافیا به‌کار می‌رود (برنز، ۲۰۱۵). «فلسفه زیربنایی رهیافت نام‌شناسی اجتماعی این است که نام‌ها، محصول و بخشی از جامعه‌ای هستند که در آن به‌کار می‌روند و از همین رو، نمی‌توان آن‌ها را جدای از جامعه تصور کرد» (برامول، ۲۰۱۲: ۵۷)؛ بنابراین، نام‌شناسان اجتماعی «به‌جای رهیافت تاریخی، رویکردی جامعه‌شناختی را در بررسی داده‌های نام‌شناختی در پیش می‌گیرند» (برنز، ۲۰۱۵: ۱۸) و «نام‌ها را برساخت‌های اجتماعی تلقی می‌کنند که باید درون بافت اجتماعی‌ای که در آن به‌کار می‌روند، در نظر گرفته شوند.» (برنز، ۲۰۱۵: ۵۷) براساس این رویکرد، نام‌های خاص «نشانه‌های زبانی پیوندخورده به جامعه» و «بخش جدایی‌ناپذیر فهرست واژگان اجتماعی - زبانی هر جامعه هستند» (ون لانگندونک، ۲۰۰۷: ۳۰۶-۳۰۷)؛ بنابراین، باید آن‌ها را با توجه به آنچه پیرامونشان می‌گذرد، مطالعه کرد.

متخصصان رشته‌های دیگر نیز به پژوهش در زمینه نام‌شناسی اجتماعی می‌پردازند و نام‌ها را در بافت اجتماعی که در آن به‌کار می‌روند، مطالعه می‌کنند. روی آوردن این پژوهش‌گران به مطالعه نام اشخاص، ناشی از اهمیت فرهنگی و کاربردی نام‌ها در هر جامعه و در راستای شناخت بهتر ملت‌ها و اقوام مختلف است (برامول، ۲۰۱۲: ۵۹). پژوهش‌های مختلف، از جمله، آجیکوم^{۱۵} (۲۰۰۶) الزومر^{۱۶} (۲۰۰۹) و رجب‌زاده (۱۳۷۸) عبدی (۱۳۷۶ و ۱۳۸۹) طیب و علی‌نژاد (۱۳۸۲) اسلامی‌راسخ و احمدوند (۲۰۱۲) و (۲۰۱۵) اگون‌واله^{۱۷} (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که نام‌ها نه تنها نشان‌گر هویت هستند، بلکه منبع اطلاعات گوناگونی هستند و به همین دلیل، نه تنها ارجاع آن‌ها به اشخاص حامل این نام‌ها، بلکه معنای دایرةالمعارفی آن‌ها را نیز باید در نظر گرفت.

کهل (۱۹۷۱) برای نخستین بار و پس از او لیبرسون (۱۹۸۴) پیوند نام‌شناسی و زبان‌شناسی اجتماعی را مطرح کردند؛ اما ون لانگندونک (۱۹۸۲) به‌طور منظم و منسجم به مطالعه نام‌گذاری در این چارچوب پرداخت و در عنوان مقاله‌ای در سال ۱۹۸۲، اصطلاح نام‌شناسی اجتماعی را به‌کار برد. لزلی و سکپیر^{۱۸} (۱۹۹۰) در نشریه نام‌ها^{۱۹}، شماره ویژه‌ای را به حوزه نام‌شناسی اجتماعی اختصاص دادند و خواستند در آن، از تکنیک‌های زبان‌شناسی اجتماعی و علوم اجتماعی برای پژوهش در مورد مسائل نام‌شناسی استفاده شود (برامول، ۲۰۱۲: ۵۷). در هجدهمین کنگره علم نام‌شناسی در آوریل ۱۹۹۳ در

15. K. Agyekum

16. A. Al-Zumor

17. J. Ögúnwálé

18. P. L. Leslie & J. K. Skipper

19. Names

دانشگاه تریر آلمان نیز با معرفی نام‌شناسی اجتماعی به‌مثابه شاخه‌ای مستقل، این رشته، رسمیت بیشتری یافت (والنتاین^{۲۰} و دیگران، ۱۹۹۶: ۱).

واژگان^{۲۱} موجود در انسان‌نام‌شناسی^{۲۲} شواهدی از ارزش‌ها و باورهای یک جامعه به‌دست می‌دهد؛ لذا ارتباط مستحکمی بین زبان یک قوم و کردارهای فرهنگی^{۲۳} آن‌ها وجود دارد. به‌دیگر سخن، زبان، ابزار قدرتمندی برای مشاهده و درک جهان‌بینی جامعه‌ای خاص است و می‌توان از آن برای مشاهده و درک کردارهای اجتماعی و کنش روزانه یک جامعه استفاده کرد (الزومر، ۲۰۰۹: ۱۶). به‌باور زلینسکی^{۲۴} (۱۹۷۰: ۷۴۳) رویه‌ها و الگوهای انتخاب نام می‌توانند «به‌عنوان ایده‌آل‌ترین سنجه در تحلیل تنوع مکانی و زمانی در تمام نظام‌های فرهنگی» به‌کار گرفته شوند. ون لانگدونک (۲۰۰۷: ۳۲۰) نیز مطالعه نام‌ها را برای بررسی تحولات در جامعه بسیار مناسب می‌داند؛ زیرا تحولات اجتماعی بر ساختار نام‌ها و کردارهای نام‌گذاری تأثیر می‌گذارند. به عبارتی، نام‌ها در وهله اول، عناصری زبانی هستند و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی، تغییرات فرهنگی و زبانی مهمی در پی دارند. «این‌گونه تغییرات، هم در سطح جایگاه زبان‌ها و هم در سطح پیکره زبان‌ها رخ می‌دهد.» (مدرسی، ۱۳۸۸: ۲) نام‌ها نیز به‌مثابه عناصر واژگانی پیکره هر زبانی، ناگزیر از این تغییر و تحولات تأثیر می‌پذیرند، زیرا «در جامعه زاده می‌شوند، ادامه حیات می‌دهند و ممکن است در کاربرد شفاهی و جمعی دست‌خوش تغییراتی شوند.» (فرکس^{۲۵}، ۲۰۱۵: ۲۸) تغییر در نام ممکن است با گذر زمان و با تغییر در نگرش‌های جامعه زبانی حاصل شود و بدین ترتیب، نام‌های مورد استفاده، از نسلی به نسل دیگر و تحت تأثیر تحولات گوناگون دست‌خوش تغییراتی شوند.

۲- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و براساس گردآوری داده‌ها از نوع ترکیبی (اسنادی و میدانی) است؛ بدین‌صورت که داده‌ها از اسناد و دفترهای ثبت مشخصات شناسنامه‌ای افراد در اداره ثبت احوال بانه به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر، همه اسامی خاص مربوط به متولدین دوره ۱۳۰۰ تا آخر شهریور ۱۳۹۶، ثبت‌شده در اداره ثبت احوال بانه است و

20. T. Valentine

21. lexemes

22. anthroponomastics

23. cultural practices

24. W. Zelinsky

25. T. Farkas

نمونه آماری مورد مطالعه، مجموع نام‌های در دسترس به‌کاررفته در این دوره (بدون احتساب تکرار و فراوانی نام‌ها) است و ۱۴۰۰ نام را شامل می‌شود. در این پژوهش، با استفاده از آمارهای توصیفی (فراوانی و درصد) و آمار استنباطی و به کمک نرم‌افزار اسپس^{۲۶}، نخست بر مبنای دوره‌ها، به تجزیه و تحلیل تحولات نام‌گذاری در شهر بانه پرداخته شد، سپس تحلیلی کلی و جامع از کل دوره مورد نظر (یک‌صد سال اخیر) ارائه شده است.

۳- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

- دوره اول، ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس جدول (۱) نشان داد که در دوره اول، ۶۱٪ نام‌ها را نام‌های سنتی مذهبی مبتنی بر اسماء‌الله، اسم شخصیت‌های مذهبی و واژگان مفهومی قرآنی و ۲۸/۵٪ آن‌ها هم مبتنی بر واژگان مفهومی عربی بودند. نام‌های ملی و قومی نیز به ترتیب ۸٪ و ۲/۵٪ است.

جدول (۱). نوع نام‌های انتخابی دوره اول (۱۳۰۰-۱۳۳۰)

جمع (درصد)	عربی خشتی	قومی	ملی	مذهبی	نوع نام	
۱۰۰	۸	۲	۴	۸۶	مرد	جنسیت (درصد)
۱۰۰	۴۹	۳	۱۲	۳۶	زن	
۱۰۰	۲۸/۵	۲/۵	۸	۶۱	میانگین	

بر اساس جدول (۱)، در این دوره، تفاوت‌های آشکاری در انتخاب نام‌های مذهبی بر حسب جنسیت مشاهده می‌شود: در حالی که تعداد نام‌های مذهبی مردان ۸۶٪ است، در بین نام‌های زنانه، ۳۶٪ به نام‌های مذهبی اختصاص یافته است. ۸٪ نام‌های مردانه، به نام‌های عربی مفهومی و ۴۹٪ نام‌های زنانه، به نام‌های عربی خشتی اختصاص دارد؛ همچنین، تعداد نام‌های ملی با ریشه فارسی و قومی مربوط به زنان، درصد بالاتری را به خود اختصاص داده است: از میان نام‌های زنانه، ۱۲٪ ملی و ۳٪ قومی هستند، اما این ارقام، برای مردان به ترتیب ۴٪ و ۲٪ است.

- دوره دوم، ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۱

در این دوره، طبق جدول (۲)، از مجموع کل نام‌ها، ۵۳٪ از نوع مذهبی سنتی و ۱۴٪ نیز نام‌های ملی ایرانی هستند. اگرچه فراوانی نام‌های ملی چندان چشمگیر نیست؛ همین درصد پایین، از تغییرات اجتماعی و حرکت تدریجی به سوی زندگی شهری حکایت دارد. نام‌های قومی ۶٪ نام‌ها را تشکیل

می‌دهند، اما نام‌های عربی مفهومی، بیش از یک‌چهارم نام‌های به‌کاررفته (۲۷٪) هستند.

جدول (۲). نوع نام‌های انتخابی دوره دوم (۱۳۳۰-۱۳۴۱)

نوع نام	جنسیت (درصد)	مذهبی	ملی	قومی	عربی خشتی	جمع (درصد)
		مرد	۷۶	۸	۴	
زن	۳۰	۲۰	۸	۴۲	۱۰۰	
میانگین		۵۳	۱۴	۶	۲۷	۱۰۰

از جمله تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد نوع نام‌ها در این دوره، در میزان بالاتر استفاده از نام‌های مذهبی برای جنس مذکر (۷۶٪) به نسبت جنس مؤنث (۳۰٪) است. در مقابل، تنوع نام‌های عربی مفهومی خشتی (کافیه، شرافت، رعنا و زینت) برای اسامی زنانه بیشتر از نام‌های عربی مفهومی مردانه است (۴۲٪ نام عربی مفهومی زنانه در مقابل ۱۲٪ نام عربی مردانه)؛ درصد نام‌های ملی با ریشه فارسی به‌کاررفته برای زنان، دو برابر ونیم نمونه مردانه آنها است (۲۰٪ در مقابل ۸٪) و در مورد نام‌های قومی، درصد نام‌های مردانه (۴٪) پایین‌تر از نام‌های قومی زنانه (۸٪) بوده است.

- دوره سوم، ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷

جدول (۳) نشان می‌دهد که نام‌های ملی با ریشه زبان فارسی در دوره نوسازی دوم رو به فزونی بوده‌اند، به طوری که ۲۲/۵٪ نام‌ها به این دسته تعلق دارند. نام‌های قومی نیز در این دوره به ۱۳/۵٪ رسیده‌اند؛ اما در عوض، درصد نام‌های عربی مذهبی و غیر مذهبی با کاهش مواجه بوده‌اند و تعداد آنها در پیکره نام‌های انتخابی، به ترتیب به ۴۳/۵٪ و ۲۰/۵٪ رسیده است.

جدول (۳). نوع نام‌های انتخابی دوره سوم (۱۳۴۲-۱۳۵۷)

نوع نام	جنسیت (درصد)	مذهبی	ملی	قومی	عربی خشتی	جمع (درصد)
		مرد	۶۳	۱۸	۹	
زن	۲۴	۲۷	۱۸	۳۱	۱۰۰	
میانگین		۴۳/۵	۲۲/۵	۱۳/۵	۲۰/۵	۱۰۰

اثرات جنسیت بر انتخاب نام را در این دوره می‌توان مشاهده کرد: نام‌های مذهبی ۶۳٪ نام‌های مردانه و ۲۴٪ نام‌های زنانه را به خود اختصاص می‌دهند. در مورد نام‌های ملی، عکس این صادق است: ۲۷٪ نام‌های زنانه و ۱۸٪ نام‌های مردانه ملی هستند و در مورد نام‌های قومی نیز ۱۸٪ نام‌های زنانه و ۹٪ نام‌های مردانه، ریشه کردی دارند. در مورد نام‌های عربی خشتی نیز وضعیتی مشابه نام‌های قومی و ملی دیده می‌شود: در حالی که ۳۱٪ نام‌های زنانه از نوع عربی خشتی هستند، تنها ۱۰٪ از نام‌های مردانه به این نوع تعلق دارند.

- دوره چهارم، ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸

در دوره انقلاب و جنگ تحمیلی، بنا به جدول (۴) سهم نام‌های قومی (۳۵٪) از همه بیشتر است و پس از آن، نام‌های مذهبی (۳۱٪) و در رده پایین‌تر، نام‌های ملی (۲۶٪) قرار می‌گیرند.

جدول (۴). نوع نام‌های انتخابی در دوره چهارم (۱۳۵۸-۱۳۶۸)

جمع (درصد)	عربی خشتی	قومی	ملی	مذهبی	نوع نام	
					جنسیت (درصد)	
۱۰۰	۶	۲۸	۲۲	۴۴	مرد	جنسیت (درصد)
۱۰۰	۱۰	۴۲	۳۰	۱۸	زن	
۱۰۰	۸	۳۵	۲۶	۳۱	میانگین	

تفاوت در نحوه نام‌گذاری برحسب جنسیت در این دوره بدین صورت است: در نام‌های مذهبی، ۴۴٪ سهم مردان و ۱۸٪ سهم زنان؛ در نام‌های ملی، ۳۰٪ سهم زنان و ۲۲٪ سهم مردان؛ در نام‌های قومی، ۴۲٪ سهم زنان و ۲۸٪ سهم مردان است.

- دوره پنجم، ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴

در دوره ثبات، شامل دوره‌های سازندگی و اصلاحات، براساس جدول (۵)، نام‌های مذهبی ۲۳/۵٪، ملی ۳۲٪، قومی ۳۵/۵٪ و نام‌های عربی غیر مذهبی تنها ۹٪ بیکره نام‌ها را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول (۵). نوع نام‌های انتخابی دوره پنجم (۱۳۶۸-۱۳۸۴)

جمع (درصد)	عربی خشتی	قومی	ملی	مذهبی	نوع نام	
					جنسیت (درصد)	
۱۰۰	۷	۳۷	۲۶	۳۰	مرد	جنسیت (درصد)
۱۰۰	۱۱	۳۴	۳۸	۱۷	زن	
۱۰۰	۹	۳۵/۵	۳۲	۲۳/۵	میانگین	

- دوره ششم، ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶

براساس جدول (۶)، در دوره آخر سده، نام‌های مذهبی ۹٪ نام‌ها را تشکیل می‌دهند. نام‌های ملی به ۴۳٪ افزایش می‌یابند و نام‌های قومی نیز ۳۴٪ کل نام‌ها را به خود اختصاص می‌دهند؛ همچنین، نام‌های غیر ایرانی شامل نام‌های غربی (۹٪) و ترکی (۲٪) در این دوره نمود می‌یابد.

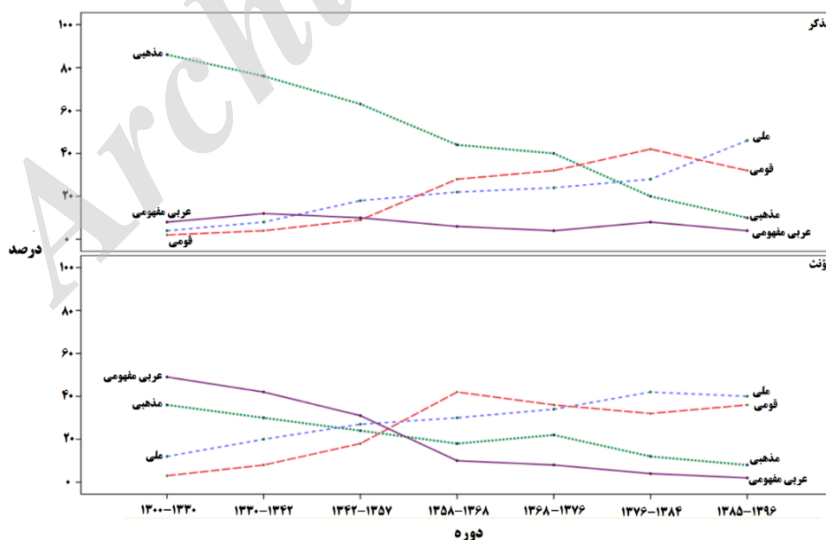
جدول (۶). نوع نام‌های انتخابی دوره هفتم (۱۳۸۴-۱۳۹۶)

جمع (درصد)	فراملی			قومی	ملی	مذهبی	نوع نام	
	غربی	ترکی	عربی خشتی				جنسیت (درصد)	
۱۰۰	۶	۲	۴	۳۲	۴۶	۱۰	مرد	جنسیت (درصد)
۱۰۰	۱۲	۲	۲	۳۶	۴۰	۸	زن	
۱۰۰	۹	۲	۳	۳۴	۴۳	۹	میانگین	

تجزیه و تحلیل کلی دوره صدساله

براساس نمودار (۱)، تحلیل نتایج بیان‌گر این است که درصد نام‌های مذهبی مردانه طی دوره مورد بررسی، روند نزولی داشته است، با این حال، فراوانی نام‌های مذهبی جنس مؤنث تا دوره چهارم (دوران جنگ) روند رو به کاهشی داشته است و در دوره سازندگی، افزایش نسبی یافته است که آن‌هم به‌خاطر افزایش نام‌های مذهبی مفهومی و قرآنی (مانده، اسرا، اسمائه، مینا، حوریه و حدیث) و مصداقی (سمیه و آسیه) به‌ویژه در پایان این دوره و در نیمه اول دهه ۱۳۷۰ بوده است. پس از این دوره، فراوانی نام‌های مذهبی زنانه هم سیر نزولی می‌یابد. تفاوت در نحوه اختصاص نام‌های عربی مفهومی (غیر مذهبی) بر حسب جنسیت، بدین صورت است: این نوع نام‌ها در مورد جنس مؤنث در آغاز سده، درصد نسبتاً بالایی (۲۵٪) را به خود اختصاص داده‌اند، اما در پایان سده، به‌شدت کاهش یافته و به ۳٪ تقلیل یافته‌اند. به‌طور کلی، تخصیص نام‌های عربی مذهبی و غیر مذهبی برای جنس مؤنث در جامعه مورد مطالعه، سیر نزولی قابل ملاحظه‌ای داشته است.

اختصاص نام‌های ملی برای هر دو جنس، روند رو به افزایشی را تجربه کرده است. نام‌های ملی مردانه با شیئی ملایم تا ۱۳۸۵ رو به افزایش بوده‌اند و از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، با شیب کمابیش تندی، روندی افزایشی یافته‌اند. نام‌های ملی زنانه شاهد فزاینده‌ای و نشیب بوده‌اند، به‌طوری‌که تا دوره اصلاحات، روند افزایشی ملایمی داشته و سپس در دوره آخر، از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، کاهشی نسبی یافته‌اند، زیرا درصد نام‌های قومی زنانه در این دوره رواج یافته‌اند.



نمودار (۱). روند کلی تغییر در نوع نام‌ها در طول سده اخیر

تفاوت‌های جنسیتی در مورد نام‌های قومی نیز مشهود است: نام‌های قومی زنانه تا دوره چهارم (۱۳۶۸-۱۳۵۸) سیر صعودی مشهودی داشته و در این دوره به اوج می‌رسند و سپس با شیب ملایمی کاهش یافته و در پایان سده، دوباره روند افزایشی یافته‌اند. نام‌های قومی مردانه تا دوره اصلاحات روند افزایشی داشته‌اند و در این دوره، در بالاترین حد خود قرار گرفته‌اند و سپس کاهش یافته‌اند.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در دوره اول، (سه دهه آغازین این سده)، بنا به دلایلی از جمله مذهبی بودن مردم بانه و حاکمیت زندگی سنتی، بیشتر نام‌ها، نام‌های سنتی مذهبی مبتنی بر اسماء‌الله، اسم شخصیت‌های مذهبی و واژگان مفهومی قرآنی و حدود یک‌سوم آن‌ها مبتنی بر واژگان مفهومی عربی بودند. حضور نام‌های ملی و قومی در پیکره نام‌ها، به شدت کم‌رنگ است و تنوع چندانی در نوعشان دیده نمی‌شود. به خاطر تقدس‌انگاری زبان عربی، واژه‌ها و نام‌های مذهبی و حتی غیر مذهبی برگرفته از این زبان، جایگاه خاصی داشتند. در این دوره، کاربرد تکراری برخی از نام‌ها و بالا بودن فراوانی آن‌ها مشهود است؛ به طوری که یک نام، برای چندین نفر هم‌زمان یا برای پدر و پسر یا پدربزرگ و نوه (بعد از فوت پدر/ پدربزرگ) به کار می‌رود که این امر تا دهه‌های بعد ادامه می‌یابد. سبک زندگی سنتی و باورهای مذهبی سنتی در کنار وضعیت و شرایط و بافت بانه، با نوع نام‌های به‌کاررفته در این دوران همخوانی دارد.

گذاشتن نام بزرگان دینی، قومی، اجداد یا خویشاوندان بر فرزند را می‌توان به تحلیل بوردیو^{۲۷} نسبت داد، مبنی بر اینکه:

«هر گروهی، برای جاودانه ساختن خود، در پی این است ابزارهایی فراتر از افراد میرایی که مظهر گروه هستند، دست و پا کند و در این راستا، مجموعه تمام و کمالی از سازوکارها را بنا می‌نهد، مثل نمایندگی^{۲۸}، بازنمایی^{۲۹} و نمادپردازی^{۳۰} که جاودانگی و حضور همه‌جایی^{۳۱} به می‌بخشند.» (بوردیو، ۱۹۸۴: ۷۲)

بازنموده^{۳۲} جاودانه می‌شود، زیرا گروه‌ها از ابزارهایی مثل بازنمایی (پرتره یا مجسمه)، بنای یادبود (سنگ مزار) و مراسم یادبود بهره می‌گیرند تا نشان دهند تنها جسم مردگان‌شان از میان رفته است. در

27. P. Bourdieu

28. delegation

29. representation

30. symbolization

31. ubiquity and eternity

32. representative

همین راستا، می‌توان گفت نام‌ها، همچون ابزارهای بازنمایی، برای زنده‌تصورکردن و زنده‌نگه‌داشتن فردی که گروه در آن تجسم می‌یابد، به‌کار می‌روند؛ حال چه فردی از میان خانواده باشد یا فردی مذهبی یا ملی. به‌کاربردن نام بزرگان دینی و قومی یا اجداد و خویشاوندان را می‌توان نام‌گذاری گذشته‌نگر یا مبتنی بر حفظ میراث گذشته نامید.

دوره دوم، دوره تثبیت و تحکیم پایه‌های حکومت شاهنشاهی است و رویداد سیاسی خاصی که تأثیر عمده‌ای بر حیات اجتماعی و نگرش‌های فرهنگی ساکنان این شهر مرزی داشته باشد، رخ نمی‌دهد. در این دوره، بانه بخشی وابسته به شهرستان سقز و همچنان گرایش مذهبی، غالب است. نمود تغییر به‌سوی زندگی (شبهه) شهری را در فعالیت‌های اجتماعی ویژه شهر می‌توان مشاهده کرد، از جمله، تأسیس دبیرستان و برگزاری مراسم‌های فرهنگی و ورزشی و مرادده با شهرهای بزرگ‌تر، برای تحصیل یا کارهای اداری و اقتصادی.

دوره سوم، از ۱۳۴۱ تا انقلاب سال ۱۳۵۷، شاهد تحولاتی در سطح ملی از جمله اعلام برنامه نوسازی دوم و به‌ویژه، فاصله زمانی بین ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ مصادف با طرح شعار تمدن بزرگ توسط محمدرضا شاه بود. از آغاز این دهه و از سال ۱۳۴۰، بانه به‌مثابه یکی از شهرستان‌های استان کردستان شناخته می‌شود. از جمله رویدادهای فرهنگی تأثیرگذار در سطح محلی در این دوره، آغاز به‌کار رادیو کردی کرمانشاه، به‌ویژه فعالیت گسترده از سال ۱۳۴۱ به بعد و پخش برنامه‌های رادیویی به زبان کردی بود.

آغاز دوره چهارم، با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رقم می‌خورد و مردم بانه نیز در تحولات سیاسی کشوری با ملت ایران هم‌سو هستند، اما از طرفی هم احساسات قوم‌گرایانه و تشکیل احزاب مسلح، وضعیت سیاسی متفاوتی را در منطقه حاکم کرده است. جنگ تحمیلی ناگزیر زندگی اجتماعی مردم شهر را تغییر داد، به‌گونه‌ای که ساختار زندگی در محلات، دید و بازدیدها و مجاورت اقوام و آشنایان رنگ می‌بازد و به‌نوعی هر خانواده به‌دنبال پناهگاهی موقت یا دائمی، برای خود است. با مهاجرت شهری‌ها به روستا، روابط از نو تعریف و سبک زندگی و مناسبات جدیدی شکل می‌گیرد، زیرا «شکل‌گیری تعامل‌ها و جامعه‌پذیری مردم تابع محیط محلی خودشان است؛ خواه در روستا باشد، خواه در شهر یا در حومه شهر و در همان محیط با همسایگان خود شبکه‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند.» (کاستلز^{۳۳}، ۲۰۱۰، ب: ۶۳)

رویداد فرهنگی بارز در این دوره، پخش برنامه تلویزیونی عراق (معروف به تلویزیون کرکوک) با برنامه‌های متنوع کردی بود که این ارتباط فرهنگی با کردستان عراق، با میانجی‌گری جعبه جادویی به افزایش نام‌های قومی می‌انجامد. با بیشتر شدن تعداد نام‌های قومی و افزایش نسبی نام‌های ملی و ثابت ماندن تعداد نام‌های مذهبی، سهم نام‌های مذهبی در گنجینه نام‌ها کاهش یافت.

دوره پنجم، دوره ثبات نظام جمهوری اسلامی و دو دوره سازندگی و اصلاحات را شامل می‌شود. پایان جنگ به معنی رونق دوباره زندگی شهری و ثبات نسبی اقتصادی و سیاسی بود. مناسبات و روابط اجتماعی، محلات، رفت و آمدها و شب‌نشینی‌ها در شهر دوباره برقرار شد. پخش سریال‌های تلویزیونی صدا و سیما با رسالت تبلیغ و ترویج ارزش‌های مذهبی و ملی از سر گرفته شد. از طرفی هم فعالیت‌های فرهنگی از جمله تشکیل انجمن ادبی، کلاس موسیقی، شب شعر و اجرای برنامه‌هایی به زبان کردی، احساس باور به خود و هویت قومی را تقویت می‌کرد.

رویداد تأثیرگذار دیگر در این دوره، ورود آوارگان کرد عراقی در سال ۱۳۷۰ به بانه بود. در میان این مهاجران، شاعران، نویسندگان و هنرمندان کردستان عراق نیز حضور داشتند که جو پرشور و نشاط ادبی و هنری به زبان کردی ایجاد کرده بود. یکی از ارمغان‌های فرهنگی آن‌ها، ترویج نام‌هایی کردی شامل استعاره‌هایی از طبیعت کردستان یا مفاهیم مرتبط با زیبایی، نور و عشق بود که حس هویت قومی را تقویت می‌کرد، از جمله همدردین و زمناکو (نام کوه‌هایی در کردستان عراق) و شاخوان (صخره/ کوه‌نورد) برای مذکر و چرو (جوانه درخت)، تروسکه (درخشش)، ژووان (میعادگاه) و جوان (زیبا) برای مؤنث.

در این دوره، پیکره نام‌ها، تنوع بیشتری می‌یابد: نام‌های مذهبی مثل مائده، مبینا، اسما، اسرا و ساریه برای مؤنث و توحید، میثم، یاسر، یاسین، مبین، معین، وهاب، مصعب و صهیب برای مذکر؛ نام‌های ملی مثل ساحل، فریناز، نگار، نگین، پریا، پریسا، بینا، دلارا، دلارام، سپیده، آرینا، ویلا، آناهیتا، شادان، بیتا و سایه برای مؤنث و فراز، فرزام، فرزانه، فرزین، پوریا، پویا، آریان، آریا، آروین، سینا، سروش، شایان، پیمان، پدرام، سپهر و کیارش برای مذکر؛ نام‌های قومی مثل آژین، روژان، روچیار، روژین، روشنا، دلنیا، شرمین، گزینگ، بناز، بفرین و سرجل برای مؤنث و آکام، آکار، آلان، اهون، بریار، بیروژ، ساکار، سیامند، میران، زانیار، ربیین، کاروان، ماکوان، زانکو، هردی و شالو برای مذکر.

از جمله نام‌های مذهبی مفهومی مورد استفاده در این دوره، عبارت‌اند از: عرفان، ایمان و احسان (برای مذکر) و ثنا، مبینا، اسرا، حسنا، مائده و اسماء (برای مؤنث). این نام‌ها را بیشتر گروهی به‌کار

می‌بردند (و هنوز به کار می‌برند) که به مکتب قرآنی مشهور شده‌اند. نکته دیگر اضافه‌شدن نام‌های ترکی (مثل *یاشار، آیدا، یانار و ساناز*) و فرنگی (مثل *روزیتا، رومنا و دیانا*) به مجموعه نام‌هاست. یکی از عوامل تنوع بیشتر نام‌ها در این دوره، چاپ کتابچه *راهنمای نام‌گذاری* از سوی سازمان ثبت احوال بود که در سال ۱۳۸۴ به صورت کتاب منتشر شد. انتشار آن را می‌توان در راستای برنامه‌ریزی زبانی توجیه کرد. پارسامهر مؤلف این کتاب، چارچوب نوع نام‌های مورد تأیید را مشخص می‌سازد:

«نام‌های دینی و مذهبی، واژه‌های قرآنی و مشتقات آن، نام‌های صحابه و شخصیت‌های اسلامی، نام‌های مربوط به فرهنگ ایران باستان تا فرهنگ جدید، نام‌های اسطوره‌ای (دینی، مذهبی و ملی) و نام‌های منطقه‌ای و اقوامی که در جای‌جای مختلف کشور زندگی می‌کنند، مورد تأیید واقع می‌شوند.» (پارسامهر، ۱۳۹۴: <http://www.bomanews.ir>)

دوره ششم یا دهه پایانی قرن در تقویم شمسی، دوره تحولات گسترده‌ای است که چهره شهر را به اندازه‌ای دگرگون می‌سازد که توصیف آن با عنوان دنیای شگفت‌انگیز نو^{۳۴} مبالغه نمی‌نماید. در این دوره، بانه به شهر بازاریچه‌ها معروف می‌شود و چنان شهرتی می‌یابد که بزرگمهر (۲۰۱۴) در روزنامه *فاینانشل تایمز*^{۳۵} در مورد شکوفایی اقتصادی این شهر، به‌خاطر تجارت با عراق می‌نویسد: موج مهاجرت به شهر و درگیر شدن روستاییان در کار اقتصادی شهری با کالاهای عصر مدرن و تعامل با سایر فرهنگ‌ها از جمله ترک و فارس، افزون بر کمرنگ‌شدن تفاوت‌های بین روستایی و شهری و بانه‌ای و غیر بانه‌ای، تغییر «رمزگان ارتباطی محدود به رمزگان گسترده» (یک^{۳۶}، ۱۹۹۲: ۹۷) را به دنبال داشت. حاصل این جنب و جوش اقتصادی، احساس هویت (جدید) بود که تغییر سبک زندگی از جمله نتایج آن بود.

روستاییان شهری شده با این هویت جدید به دو صورت برخورد کردند: یکی همگنی با سبک زندگی شهری و دیگری احساس باور به خود و حفظ شاخص‌های هویت سابق از جمله پوشش، گونه گفتاری (به‌طور مثال، حفظ لهجه روستایی) و رفتار شخصی بود. نوع اول خود را در تغییر نوع نام از گونه مذهبی سنتی، علی و عظیمه (والدین)، به گونه مدرن *هلیا و لیانا* (فرزندان) بروز می‌داد. گروه دوم، اما برای حفظ هویت قومی خود و تا حدی سازگاری با شرایط جدید، از نام مذهبی جدید (مبینا، اسرا، ثنا و حسنا) یا قومی جدید (کانی، کانیا، چیلان، چاوان، روژیتا، روژینا، شیواز، کیژان، دیاری، آگرین و

34. Brave New World

35. Financial Times

36. U. Beck

گونا /gonā/) استفاده می‌کرد.

افزون بر این تحولات اقتصادی، امواج پیشرفت در حوزه فناوری به این شهر مرزی نیز رسید. تحولات جهانی و پیدایش و فراوانی رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های تعاملی، با ورود اینترنت به زندگی مردم، فاصله‌ها را از بین برد و فرهنگ‌ها را به هم نزدیک کرد. در این دنیای جدید، ارتباطات، دیگر وابسته به مجاورت فیزیکی و محدود به زمان نیست. به قول پارسامهر:

«با غلبه عصر اطلاعات و گسترش ارتباطات و ارتقای سطح سواد و دانش عامه و همگام با توسعه شهرنشینی، والدین کودکان نیز با دغدغه خاطر، آینده‌نگری، احساس مسئولیت و حساسیت روزافزون در امر انتخاب نام برای فرزندان خود روبه‌رو شده‌اند.» (پارسامهر، ۱۳۸۶: ۵)

کاستلز (۲۰۱۰ الف: ۳۵۵-۳۵۷) از این تحول به‌مثابه ظهور ابرشاهراه اطلاعاتی^{۳۷} سخن می‌گوید و دگرگونی فناوری هزاره سوم را به‌لحاظ ابعاد تاریخی آن، مشابه اختراع خط در ۷۰۰ قبل از میلاد در یونان می‌داند، «دگرگونی‌ای که به یکپارچه‌سازی شیوه‌های گوناگون ارتباط در یک شبکه تعاملی انجامید.» از نظر شیخ‌الاسلامی^{۳۸}:

«اینترنت، فضاهای ارتباطی دیگری برای کردارهای گفتمانی مختلف و برساخت گفتمانی هویت کردی فراهم می‌کند»، زیرا در ماه مه ۲۰۰۷، ۲۵۰۰ وب‌سایت و ۶۵۰۰ پیوند به منابع اینترنتی کردی نمایه شده‌اند که تنها ۱۰٪ آن‌ها وابسته به سازمان‌های سیاسی کردی بوده‌اند.» (شیخ‌الاسلامی، ۲۰۱۱: ۱۳۹-۱۴۰)

بخش عمده اینترنت را افراد عادی و سازمان‌های کوچک مردم‌نهاد برای انعکاس و بیان هویت فرهنگی (کردی) خود، باورهای شخصی و دلواپسی‌ها و بحث از سرزمین مادری به‌کار می‌بردند؛ بنابراین، اینترنت فضایی را برای کنار هم آوردن افرادی با باورها، علایق، خاطرات و سلیقه کم و بیش مشابه و مهم‌تر از همه، هویت و زبان مشترک فراهم می‌آورد و به افراد کمک می‌کند تا مرزهای زمان و مکان را درنوردند و اجتماع‌هایی را شکل دهند که نیاز به مجاورت فیزیکی ندارند. «کاربران اینترنت، احساس تعلقات مشترکی دارند زیرا هم‌زمان با دیگران درگیر مناسک خواندن یک مطلب هستند و مسائل مورد علاقه را می‌توانند به بحث و جدل بگذارند.» (شیخ‌الاسلامی، ۲۰۱۱: ۱۴۴)

این منابع اینترنتی در دسترس عموم، یکی از منابع مورد استفاده در انتخاب نام بوده‌اند؛ به‌طور مثال،

37. information superhighway

38. J. Sheyholislami

پدری از فرایندِ سختِ یافتنِ نام مناسب برای فرزند از میان تعداد فراوان نام‌ها در اینترنت سخن می‌گفت و اینکه مجبور شده بعد از گزینش حدود چهارصد نام، با دسته‌بندی آن‌ها برحسب حروف الفبا و با توجه به معانی نام‌ها، از بین این مجموعه، اسم مناسبی برای فرزندش انتخاب کند. در نتیجه تحولاتی که این شهر مرزی با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، به‌باورِ بک:

«افراد با پیشینه‌های فرهنگی بسیار متنوع در این جامعه نوظهور کنار هم می‌آیند و ملغمه‌ای به وجود می‌آید که در آن سازمان روابط اجتماعی محلات تضعیف شده و در نتیجه، اشکال سنتی اجتماع‌های فراتر از خانواده، کم‌کم رنگ می‌بازند. غالباً، اعضای یک خانواده مناسبات جداگانه خود را شکل می‌دهند و در این شبکه‌های جدید خودشان زندگی می‌کنند؛ البته این به معنای افزایش انزوای اجتماعی یا غالب شدن زندگی خصوصی خانوادگی نیست، هرچند ممکن است چنین وضعیتی نیز پیش بیاید؛ اما قطعاً بدین معنا هست که محلات از قبل موجود انتسابی از هم می‌پاشند. مناسبات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی جدیداً شکل گرفته دیگر باید توسط خود افراد انتخاب شوند. روابط اجتماعی نیز لازم است توسط خود فرد بنا نهاده شوند، حفظ شوند و مرتباً از نو برقرار شوند.» (بک، ۱۹۹۲: ۹۷)

این تحولات، نوید ظهور عصر جدید را می‌دهند، زیرا از نشانه‌های عصر جدید، تضعیف جهان‌بینی است که قرن‌ها بر جامعه حاکم بوده‌اند (ولفسان و برنشین‌ماخیر^{۳۹}، ۲۰۰۱). در این دوره، شاهد تحولات خاصی در نحوه نام‌گذاری هستیم به طوری که در استفاده از نام‌ها نوعی بازگشت به سنت و البته متناسب با عصر جدید، یا به عبارتی نوکردن سنت، مشاهده می‌شود: کانی با «ا» ترکیب شده و کانی ساخته می‌شود. در مورد نام‌های ملی نیز، نام‌های مربوط و دارای ریشه در دوران قبل از اسلام و نام‌های شاهنامه‌ای و اساطیری ایران به جای کورش، پرویز و امثال آن‌ها مرسوم شده‌اند؛ مثل آرشام/ آرشام. این موج نام‌های جدید هم در حوزه ملی و هم در حوزه قومی، به کاهش استفاده از نام‌های مذهبی انجامیده است.

بنابراین، پیکره نام‌گذاری فرزندان در بانه طی یک‌صد سال اخیر به شدت دگرگون شده است، به طوری که هم به لحاظ تعداد و تنوع نام‌ها، این پیکره غنی‌تر شده است و هم بسیاری از نام‌هایی که قبلاً مورد استفاده قرار می‌گرفتند - همچون نام‌های مذهبی سنتی، به‌ویژه گروه اول نام‌های مذهبی یا نام اجداد و نیاکان - تحت تأثیر سنت‌زدایی^{۴۰} در نام‌گذاری، دیگر تقریباً جزو انتخاب‌های والدین قرار

39. M. Wolffsohn & T. Brenchenmacher

40. detraditionalization

ندارند؛ در عوض، نام‌هایی هم از زبان‌های دیگر به گنجینه نام‌ها وارد شده‌اند و هم در زبان‌های فارسی و کردی مردم به نام‌سازی یا بازسازی نام‌ها اقدام کرده‌اند. این امر را می‌توان به سنت‌زدایی و در نتیجه فردگرایی در انتخاب نام نسبت داد، زیرا به قول بک (۱۹۹۲: ۱۰۰) «انقلاب‌های اجتماعی و فناورانه به فردگرایی تمام و کمال در سبک زندگی سرعت می‌بخشند» و مطالعه نام‌ها را می‌توان مبنایی برای بررسی فرایندهای فرهنگی فردگرایی و سنت‌زدایی قرار داد (گرهاردز و هاکنبراخ^{۴۱}، ۲۰۰۰؛ ولفسان و برنشین‌ماخیر، ۲۰۰۱).

به‌باور پارسامهر در طول چند سال اخیر، دگرگونی‌های اجتماعی، تحولات شگرفی در فرهنگ نام‌گذاری جامعه ایران در زمینه نام و نام‌گزینی ایجاد کرده است؛ به عبارتی، این تغییرات اجتماعی سبب شده‌اند که:

«از یک طرف، تعدادی نام از گردونه نام‌گذاری خارج شود و تعدادی دیگر به این مجموعه اضافه گردد و از طرف دیگر، برخی نام‌های نوساخته در بافت فرهنگ‌ها یا خرده‌فرهنگ‌های گوناگون پدید آیند و متعاقب آن، به جامعه در سطح ملی عرضه شوند. از این گذشته، بسیاری از نام‌های کهن و حتی فراموش شده نیز بازتولید شده‌اند و با تحول در ساختار یا در معنای آن‌ها، به‌عنوان نام‌های نو انتخاب گردیده‌اند. در این میان، اندیشه تمایزجویی نیز در جامعه قوت گرفته و سبب شده است تا نام‌هایی با ترکیبات متمایز انتخاب شوند.» (پارسامهر، ۱۳۸۶: ۵)

دلیل این حس تمایزطلبی و فردگرایی را می‌توان در نظریات بوردیو (۱۹۸۴) پیگیری کرد که معتقد است مصرف (به‌ویژه مصرف فرهنگی) اجازه بازنمایی سبک‌های زندگی و ذائقه‌های گوناگون را به افراد می‌دهد و سبک‌های زندگی و ذائقه‌هایی که براساس سرمایه‌های مختلف فرد شکل می‌گیرند، به مصرف کالاهایی منجر می‌شوند که باعث ایجاد تمایز اجتماعی خواهند شد. به عبارتی، افراد با انتخاب از بین فعالیت‌ها [از جمله انتخاب نام و نام‌گذاری فرزندان] و نیز کالاهای مصرفی، از جمله، روش‌های لباس پوشیدن، تفریح، غذا خوردن و... سبک زندگی متمایز خود را برمی‌گزینند و به خود هویت می‌بخشند. نام کودک می‌تواند دلالت بر ذائقه‌ها و کردارهای فرهنگی و پیشینه اجتماعی والدینش داشته باشد و برای ایجاد حس تمایز در معنای مورد نظر بوردیو به‌کار رود (الکاردوس و سایونگرز^{۴۲}، ۲۰۱۱). در جامعه مورد مطالعه، تغییرات ذائقه و سبک زندگی افراد کاملاً مشهود است. تغییر ذائقه در نحوه نام‌گذاری و انتخاب نام برای فرزندان را که به‌شدت از تغییرات ساختارهای فرهنگی - اجتماعی حکایت دارد، می‌توان برای مثال، در دو خانواده نمونه، به‌صورت زیر دنبال کرد:

41. J. Gerhards & R. Hackenbroch

42. M. Elchardus & J. Siongers

عبدالکریم (پدربزرگ، متولد ۱۳۱۸) ← مسعود (پدر، متولد ۱۳۴۲) ← فریاد (فرزند اول، متولد ۱۳۷۳) ← آلا / ālā / (کردی، به معنی پرچم، فرزند دوم، متولد ۱۳۸۴)، پرمیلا (فرزند آخر، متولد ۱۳۹۰). محمود (پدربزرگ، متولد ۱۳۱۵، مرحوم) ← ابراهیم (پدر، متولد ۱۳۳۹) ← پیام (فرزند اول، متولد ۱۳۶۹) ← پادرا (فرزند آخر، متولد ۱۳۹۲).

بر همین اساس، می‌توان استدلال کرد که با تحولات بنیادین، از جمله مهاجرت به شهر، شهرنشینی، مدرنیته و تحولات اقتصادی، فرهنگی و فناورانه، افراد اجتماع با انتخاب‌های متعددی روبه‌رو شده‌اند؛ به‌طوری‌که از دام محدودیت‌های سنتی و ساختاری و اقتدارگرایی پدرسالارانه رهایی یافته‌اند. آزادی انتخاب نام توسط والدین برای فرزندان و گزینش نام در میان مجموعه‌ای متکثر و متنوع از نام‌ها، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های دنیای مدرن است که می‌تواند این امکان را برای افراد فراهم سازد تا از طریق آن، هویت‌های متمایز و مشخصی را از خود به نمایش گذارند. حال ممکن است عضوی از طبقه فرادست بخواهد ذائقه و هویت متمایز از طبقه فرودست را نشان دهد و القا کند یا عضوی از طبقه فرودست تمایل داشته باشد هویت خود را به کمک انتخاب نام، متمایز از آنچه هست نشان دهد و از هویت واقعی خود بیزاری جوید یا اینکه ممکن است نخواهد این هویت را به نسل بعدی منتقل کند.

منابع

- پارسامهر، اسداله (۱۳۸۶). فرهنگ نام و نام‌گذاری. تهران: سیروان.
- (۱۳۹۴). چه نام‌هایی مورد تأیید سازمان ثبت احوال است، برگرفته از <http://www.bornanews.ir>
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸). تحلیل اجتماعی نام‌گذاری - بررسی موردی اراک، همدان و بوشهر. تهران: روش.
- طیب، محمدتقی و بتول علی‌نژاد (۱۳۸۲). بررسی گرایش‌های جدید نام‌گذاری در اصفهان از دیدگاه زبان‌شناسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۲ (۳۲ و ۳۳)، ۲۳-۵۸.
- عبدی، عباس (۱۳۷۶). تحول نام‌گذاری کودکان تهران از ۱۳۴۵-۱۳۷۴. تهران: حنا.
- (۱۳۸۹). چهار پژوهش در جامعه‌شناسی فرهنگ. تهران: ثالث.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۸). تحولات اجتماعی - سیاسی و زبان‌های ملی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۲ (۱)، ۱-۱۶.
- Agyekum, K. (2006). The Sociolinguistics of Akan Personal Names. *Nordic Journal of African Studies*, 15 (2), 206-235.
- Al-Zumor, A. (2009). A Socio-Cultural and Linguistic Analysis of Yemeni Arabic Personal Names. *GEMA Online Journal of Language Studies*, 9 (2), 15-27.
- Beck, U. (1992) *Risk Society: Towards a New Modernity (Theory, Culture & Society Series)*. Translated by Mark Ritter. London: SAGE Publications.

- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Bozorgmehr, N. (2014). *Border Town in Iranian Kurdistan Booms Through Trade with Iraq*. Retrieved from: <https://www.ft.com/content/5da88646-7a45-11e4-8958-00144feabdc0#comments-anchor>.
- Bramwell, E. S. (2012). *Naming in Society: a Cross-Cultural Study of Five Communities in Scotland*. Ph.D. Dissertation. The University of Glasgow. <http://theses.gla.ac.uk/3173/>.
- Burns, A. (2015). *Field-Names of North-East Scotland: a Socio-Onomastic Study*. Ph.D. Dissertation. The University of Glasgow. <http://theses.gla.ac.uk/6424/>.
- Castells, M. (2010 a). *The Information Age, Economy, Society, and Culture. Volume I: The Rise of the Network Society*. 2nd ed. Oxford: Wiley-Blackwell.
- (2010 b). *The Information Age, Economy, Society, and Culture. Volume II: The Power of Identity*. 2nd ed. Oxford: Wiley-Blackwell. ISBN-13: 978-1405196871. ISBN-10: 1405196874
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th Edn. Oxford: Blackwell.
- Danesi, M. (2004). *A Basic Course in Anthropological Linguistics*. Toronto: Canadian Scholars' Press Inc.
- Elchardus, M. & J. Siongers (2011). First Names as Collective Identifiers: An Empirical Analysis of the Social Meanings of First Names. *Cultural Sociology*, 5 (3) 403-422.
- Eslami-Rasekh, A. & M. Ahmadvand (2012). What Is in a Name? A Short Survey on the Sources and the Factors Affecting the Act of Name-Giving. *Journal of Sociological Research*, 3 (2), 124-133.
- (2015). Name-Giving Variations in Kurdistan Province of Iran: An Ethnic Identity Marker Categorized. *Khazar Journal of Humanities and Social Sciences*, 18 (2), 5-22.
- Farkas, T. (2015). Changing Names as Abolishing the Difference: Personal Names as Ethnic Symbols, Characteristics of Surname Changes and the Magyarization of Surnames in Hungary. *LÉTÜNK*. 3: 27-39. ETO: 81'373.232.1(439)"18/19". <http://www.letunk.rs/arhivum/letunk-20153/>
- Gerhards, J. & R. Hackenbroch (2000). Trends and Causes of Cultural Modernization: An Empirical Study of First Names. *International Sociology*, 15 (3), 501-31.
- Kehl, F. (1971). Chinese Nicknaming Behaviour: A Sociolinguistic Pilot Study, *Journal of Oriental Studies*, 9, 149-172.
- Leslie, P. L. & J. K. Skipper (1990). Towards a Theory of Nicknames: A Case for Socio-Onomastics, *Names*, 38 (4), 273-282.
- Lieberson, S. (1984). What's in a Name? ... Some Sociolinguistic Possibilities. *International Journal of the Sociology of Language*, 45, 77-87.
- Ògúnwálé, J. A. (2012). A Pragmalinguistic Study of Yoruba Personal Names. *Journal of Literary Onomastics*, 2 (1), 24-34.
- Sheyholislami, J. (2011). *Kurdish Identity, Discourse, and New Media*. New York: Palgrave Macmillan.
- Valentine, T., T. Brennan & S. Brédart (1996). *The Cognitive Psychology of Proper Names, On the Importance of Being Ernest*. London: Routledge.

Van Langendonck, W. (1982). Socio-Onomastic Properties of By-names. *Onoma*, 26, 55-62.

----- (2007). *Theory and Typology of Proper Names*. (Trends in Linguistics 168). Berlin: Mouton de Gruyter.

Wolffsohn, M. & T. Brenchenmacher (2001). Nomen Est Omen: The Selection of First Names as an Indicator for Public Opinion in the Past. *International Journal of Public Opinion Research*, 13 (2), 116-139.

Zelinsky, W. (1970). Cultural Variation in Personal Name Patterns in the Eastern United States. *Annals of the Association of American Geographers*, 60 (4), 743-769.

Archive of SID

Archive of SID